

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سازمان آزادیبخش افغانستان (ساما-ادامه دهندگان)

۲۶ فبروری ۲۰۱۲



سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما - ادامه دهندگان)

حوت خونین گرامی باد!

با سقوط اتحاد شوروی به منجلا ب رویو نیسم و در تکاملش سوسیال امپریالیسم، سیاست "گشایش به شرق" که از تزاران کهن به ارث مانده بود، دوباره در مخیله تزاران نوین جان گرفت. به تاسی از این سیاست توسعه طلبانه و دست یابی به این آرمان ارتجاعی و استیلا جویانه، فراگرد به بردگی کشاندن خلق ما و به زیر سیطره آوردن کشور ما، با واگذاری قروض کمر شکن وهستی بر انداز، زمینه ساز به وجود آوردن منحوس سوسیال امپریالیسم شوروی در افغانستان (بورژوازی کمپرادور سرخ) و نماینده سیاسی آن (خلق - پرچم) شد. این تمهید و تدارک غدارانه و یک سری عوامل حساب گرانه دیگر منجر به کودتای شوم هفت ثور ۱۳۵۷ش در کشور ما گردید.

کودتای منحوس ۷ ثور با پیامد های فاجعه بار اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آن برای مردم افغانستان، از موضع منافع آزمندان و توسعه طلبانه تزاران نوین و کودتاگران در نقش نماینده "سرمایه کمپرادوری بوروکراتیک" وابسته به سوسیال امپریالیسم شوروی با کنترل تمام شرائین اقتصادی کشور و اعمال سیاست های ماورای فاشیستی کشور ما را در موقعیت نیمه مستعمراتی در پروسه مستعمره شدن کامل قرار داد که با تجاوز مستقیم و عریان نظامی و اشغالگری سوسیال امپریالیسم شوروی در ۶ جدی ۱۳۵۸ش به کشور ما، این پروسه مستعمره سازی کامل شد. این

فرایند برده ساز، تضاد خلق ما را با سوسیال امپریالیسم و ایادی میهن فروش آن (خلق - پرچم)، به جایگاه عمده و خواست آزادی ملی از یوغ سلطه استعماری سوسیال امپریالیسم را به عنوان مسأله عمده آنروز کشور و جامعه ما در درجه اول اهمیت قرار داد.

توحش و سرکوب دژخیمانه مردم ما توسط کودتا گران "ثوری" آتش آزادی خواهی مکنون در زیر خاکستر جامعه ما را شعله ور نمود و بازتاب منطقی آن "در خیزش های خود به خودی و طوفانزای توده ئی متجلی گشت" که در واقع آگاهی نطفه ای را در خود مضمّن داشت .

توفان خشم مردم در قیام مسلحانه و سلحشورانه مردم نورستان در ۱۵ میزان ۱۳۵۷ش، طرد مزدوران سوسیال امپریالیسم توسط مردم آزاده غرjestان در اواخر سال ۱۳۵۷ش و متعاقب آن قیام مردم میدان وردک، قیام های مسلحانه مردم نیمروز، فراه و بادغیس در اواخر سال ۱۳۵۷ش و سرانجام قیام سرتاسری و شورانگیز مردم غیور هرات در ۲۴ حوت ۱۳۵۷ش نمونه های برجسته این خیزش های طوفان زای خود به خودی توده ها در برابر رژیم مزدور ضد دموکراتیک و ضد ملی "۷ ثوری" بودند. قیام سوم حوت ۱۳۵۸ش کابل که تداوم و توالی عصیان ها و قیام های مسلحانه و به حق مردم ما در سایر مناطق کشور بود، در فردای تجاوز نظامی و اشغالگری سوسیال امپریالیسم به کشور ما با بلند کردن شعار "روسها از ملک ما بیرون شوید!" ویژگی ضد تجاوز سوسیال امپریالیستی نیز داشت. این خروش خشم توده ئی همچنان از اعتصاب عمومی که از ۲۸ الی ۳۰ ماه دلو ۱۳۵۸ش از طرف سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) در سراسر کوه دامن به راه انداخته شد - الهام گرفته بود.

اکثر این قیامها و هکذا اعتصابات و تظاهرات در ماه حوت اتفاق افتاده و به خون کشیده شده اند. از این رو در آن زمان ماه حوت به "حوت خونین" مسما گردید و جا دارد که آن را گرامی بداریم. درسی که می توان از این حماسه های مردمی "حوت خونین" گرفت اینست که: **هیچ جنبش خود به خودی، علی رغم پایمردی، ایثار و قربانی بی همتای توده ها، بدون رهبری سالم و مدبر انقلابی به نتایج دلخواه نمی رسد. درس گیری از "حوت خونین" به ما می آموزد که نیروهای انقلابی موجود رسالتی سترگ و خطیر میهنی و انقلابی برای ایجاد یک چنین ستاد رزمنده و منضبط انقلابی رهبری کننده را به دوش دارند.**

غالباً در اکثر انقلابات و جنبش های آزادیبخش ملی، اعتصابات و تظاهرات موجب بسیج، تهییج و سازماندهی مردم به جنگ های مسلحانه توده ئی شده است. ولی در افغانستان به گفته بانی ساما زنده یاد مجید: "مشخصه جنبش های اعتصابی و تظاهراتی مردم ما در این است که بر زمینه جنگ خونین میهنی شگوفای شده و به جای آن که پیش درآمد مبارزات مسلحانه مردم ما باشد، ادامه و دنباله هم آهنگ آن است."

اشغال نظامی کشور ما توسط سوسیال امپریالیسم شوروی - به جز از خائنان ملی - منافع همه اقشار و طبقات اجتماعی را به مخاطره انداخت و به صورت خود انگیخته علیه اشغالگر و ایادی زیون آن بسیج نمود. طبقه فئودال ضربت خورده، از موضع ارتجاعی - استعماری ناگزیر به شرکت در جنگ مقاومت ضد تجاوز و اشغالگری مردم ما گردید. و از همان آغاز در صدد به انحراف کشاندن جنبش آزادیبخش ملی به بیراهه وابستگی شد. عقب گرائی ارتجاع منطقه و سیطره فرهنگ فئودالی و دمسازی با استعمار جهانی، زمینه اجتماعی رجعت گرائی را در کشور ما در اوج هیجان عالمگیر ضد روسی فراهم نمود. در فردای شکست مفتضحانه ارتش اشغالگر سوسیال امپریالیسم شوروی در میدان جنگ افغانستان در غیاب یک بدیل مؤثر ملی، دموکراتیک و انقلابی حاضر در صحنه، ثمره آن همه مجاهدت ها، قربانی ها و ایثارگری های مردم آزاده و سلحشور افغانستان غارت شد و نیروهای ارتجاعی تاریخزده و مزدور اسلام سیاسی - این نمایندگان سیاسی فئودالیسم - در تبنانی با ارتجاع طماع و آزمند منطقه و امپریالیسم جهانی به سروری

کاذب رسیدند. این حاکمیت هر چند متشتت و خونین تئوکراتیک ولی مشترک ارتجاعی – استعماری چندین ساله زمینه ساز اشغال نظامی کشور ما توسط امپریالیسم امریکا و متحدان امپریالیستی اش گردید که صفحه خونین و ننگین دیگری را در تاریخ کشور ما رقم زد.

رویدادهای دو دهه اخیر قرن بیستم و فروپاشی نظام سرمایه داری دولتی در شوروی و کشور های اقمار آن که صرفاً به نام "سوسیالیستی" بودند، قسماً باعث استیلای ابرهای تیره جهت گم کردگی، روحیه باختگی و ایدئولوژی زدائی به اذهان عده ای از مدعیان انقلاب و مبارزه شده است. زیرا که در بحبوحه همین تحولات، نظریه پردازان مدافع سرمایه زوزه پیروزی همیشگی نیولیبرالیسم و شکست قطعی ایدئولوژی پیشرو عصر و بدیل نظام سرمایه را سر دادند. ولی تمام شعارهای نظریه پردازان مدافع سرمایه – مانند فرانسویس فوکویاما که آرجوزه "پایان تاریخ" را سروده و از سلطه نهائی و دایمی دموکراسی لیبرال و عدم کارائی آموزه های علمی بنیان گذاران اندیشه علمی سخن گفته بودند – بسیار زود رنگ باخت.

بحران مالی کنونی باعث فروپاشی وال ستریت (در سال ۲۰۰۸ م)، سقوط بازار بورس و همپای آن ورشکسته شدن بانک ها شد. ایدئولوژی نیولیبرالیسم نتوانست سرمایه داری را از بحران اجتناب ناپذیر ساختاری این نظام نجات دهد. در سال ۲۰۰۸ م عده ای از نظریه پردازان سرمایه و طرفدار نظر اقتصادی کینز اعلام کردند که: "نیولیبرالیسم در غرب مرده است". به خاطر نجات از بحران مالی، سران و مدافعان سرمایه داری از سراسر دنیا در لندن گرد آمدند تا چاره ای برای خروج از این بحران جست و جو کنند. ولی تاریخ نظام سرمایه نشان داده که این چنین نقلها کارساز نبوده است. زیرا که تضاد مالکیت خصوصی بر وسائل تولید و شکل اجتماعی شده تولید و هکذا حرص و آز مشبوع ناشدنی سرمایه داران هر دوره سیستم سرمایه، بحران را است.

بنابراین، "دژ تسخیرناپذیر امپریالیسم امریکا" - این هیولای به ظاهر شکست ناپذیر - که ظاهر آن عده ای را مرعوب ساخته و به گمراهی کشانده بود، شکننده و پوشالی از آب در آمد. بحران دامن گیرکنونی و یک سری عوامل باز دارنده دیگر، بسیاری از نقشه های توسعه جویانه و اشغالگرانه امپریالیست ها را به موانع حساب نشده مواجه نموده است. سر و صداهای سازش و تفاهم با مخالفان در حال ستیز در افغانستان و تعیین تاریخ خروج بخشی از نیروهای اشغالگر امریکائی و ناتوئی از این کشور در واقع منتهای درماندگی و شکست دول امپریالیستی در جنگی تجاوزگرانه را بازگو می کند که برای تحقق چند گانه ای، در کشور ما یک دهه و اندی است که ادامه داشته است.

بحران مالی و رویدادهای نامساعد داخلی و بین المللی و اوضاع پرتب و تاب خاورمیانه، امپریالیسم امریکا و شرکای جنایتش را بدان وا داشته است تا ضمن تفاهم و سازش با مخالفان، جهت خروج از مخمصه و بن بست، به خروج بخشی از نیروهای نظامی خویش از افغانستان راضی شوند. امپریالیسم امریکا علی رغم این رسوائی و تباهی، به منظور تداوم حضور دایمی خود، در صدد آنست تا مسأله تثبیت پایگاه های نظامی خود را - جهت متحقق نمودن ستراتیژی منطقه ئی - رسمیت بخشد. گرچه مضمون سازش با طالبان تا هم اکنون در هاله ابهام قرار دارد، ولی اظهارات اخیر دولت امریکا مبنی بر حضور بخشی از "نیروهای ویژه" نظامی اش و تداوم فعالیت نهاد های وابسته به (CIA) به معنی اشغال دایمی کشور ما است که طالبان نیز با آن به توافق خواهند رسید.

برای موجه و طبیعی جلوه دادن توشیح پیمان ستراتیژیک با امریکا، در این اواخر چندین پیمان ستراتیژیک - از جانب رئیس اداره مستعمراتی - با کشورهای هندوستان، ایتالیا، فرانسه و انگلستان به امضاء رسید که در واقعیت امر ضرب المثل "باد شکم را با باد گلو پوشاندن" را به ذهن هموطنان ما تداعی می کند. امپریالیسم امریکا برای تداوم سیطره جابرانه و اسارت بار خود و ارتجاع همدستش به تقویت "اردوی مزدوری" می پردازد که قبلاً محکوم به فروپاشی

است. این "بند ریگی" نمی تواند جلو سیل خروشان اعتراضات توده ئی را در آینده سد شود. ترس از اعتراضات توده ئی و تکامل این اعتراض ها به جنگ های رهاییبخش در افغانستان و سایر مستعمرات امریکا، این غول پا گلین را به تب لرزه مرگ انداخته است.

هرچند، به زعم عده ای از نظریه پردازان، تصور تکرار تجربه فروپاشی سوسیال امپریالیسم شوروی تصویری خوش بینانه است؛ ولی با اطمینان مقرون به یقین می توان گفت که کابوس وحشتناک تصویر این شکست و فروپاشی، امریکا را مجبور به تغییر و تجدید نظر در سیاست هایش کرده است.

دروود بر روان پاک شهدای هوت خونین!

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع!

دست اشغالگران و متحدان بومی شان از افغانستان کوتاه!

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما - ادامه دهندگان)

حوت ۱۳۹۰ شمسی